



۲۰۱۵/۱۲/۰۴

جلیل غنی

## مذاکرات بین افغانستان و پاکستان در کنفرانس قلب آسیا

درین نوشته قبل از آنکه به موقف های افغانستان و پاکستان در برابر یک دیگر نظری انداخته شود و خواسته های دو کشور از یک دیگر توضیح گردد، یک نظر اجمالی و گذرا بر چگونگی مناسبات دو کشور از تاسیس پاکستان در 1947 بدین سو انداخته شده که به هیچ وجه به مفهوم سعی به تدقیق و تحلیل وقایع و رویداد های تاریخی نیست بلکه هدف آن بوده که در پرتو این رویداد ها پیچیدگی های مناسبات دو کشور و دور بودن موقف های آنها از یکدیگر متباز تر گردد.

قرار است دور دیگر کنفرانس قلب آسیا که ریاست مشترک آنرا افغانستان و پاکستان به عهده دارند، در نهم دسمبر 2015 در اسلام آباد دایر گردد. از داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان در دوران سفرش به پاریس که برای اشتراک در کنفرانس سران کشورها در مورد اقلیم کره زمین رفته بود دعوت شد که درین کنفرانس اشتراک نماید. این دعوت از طرف نواز شریف صدراعظم پاکستان در مذاکرات دو جانبه که داکتر اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان و سپس سه جانبه به شمول دیوید کامرون صدراعظم برتانیه داشت، به عمل آمد. آقای غنی گفت این دعوت را تحت غور دارد و آنآ نه پذیرفت ولی روز پنجشنبه چهارم دسمبر یک مقام حکومت افغانستان گفت به احتمال قوی رئیس جمهور افغانستان درین کنفرانس اشتراک می کند. آجندای این کنفرانس احیای اقتصاد افغانستان و تامین امنیت و ثبات در منطقه است. هر زمانی که طالبان در میدان نبرد شکست می خورند و یا دست آوردی مطابق میل پاکستان ندارند پاکستان راه مذاکره با طالبان و همکاری درین زمینه را پیشکش می کند، مخصوصاً بعد از مرگ ملا عمر و پارچه شدن طالبان به گروه های رقیب و متخاصم. ولی از جانب دیگر پاکستان تحت فشار روز افزون والدش، برتانیه، و سایر مجامع بین المللی قرار گرفته تا در مبارزه با دهشت افگنی و کشانیدن طالبان به میز مذاکرات صلح با افغانستان جدی و صادق باشد و شواهد هم هر روز نشان میدهد که این کشور با موجودیت بیست و پنج هزار مدرسه و حضور گروه های دهشت افگن به منشأ و ماوای دهشت افگان مبدل شده است.

در کنفرانس قلب آسیا این کشور ها به حیث عضو اشتراک دارند:

افغانستان، آذربایجان، چین، هند، ایران، قزاقستان، قزغزستان، پاکستان، فدراسیون روسیه، عربستان سعودی، تاجکستان، ترکیه، ترکمنستان، امارات متحد عرب، و ازبکستان.

چند کشور و سازمان منطقه ای و بین المللی عمده دنیا نیز به عنوان کشور های حامی این پروسه درین کنفرانس شرکت خواهند داشت. استرالیا، کانادا، دنمارک، مصر، فنلند، فرانسه، آلمان، ایتالیه، جاپان، ناروی، هسپانیه، سویدن، بریتانیا و ایالات متحده امریکا همچنان ملل متحد، سازمان همکاری های اسلامی، سازمان همکاری های اقتصادی، "ایکو" سازمان همکاری های امنیتیو اقتصادی اروپا، ناتو، سازمان همکاری های شانگهای، مجمع همکاری های منطقوی جنوب آسیا یا سارک، اتحادیه اروپا، و کنفرانس تعامل و اعتماد سازی در آسیا.

اما قبل از آن که تاملی بر این سفر داکتر غنی به پاکستان داشته باشیم نظر مختصری به پیشینه مناسبات افغانستان و پاکستان خواهیم داشت در جهت درک بهتری از تشنجات دامنه دار و ویران کننده که مخصوصاً در چهار دهه اخیر باعث بی ثباتی سیاسی، ویرانی نهاد ها و بنیاد های زیر بنائی و ساختار های دولتی و دوام جنگ و کشتار ده ها هزار افغان بی گناه و قوای امنیتی افغان و حامیان خارجی آنها گردیده است. افغانستان و پاکستان از همان آغاز انقسام هند و تشکیل پاکستان در 12 اگست 1947 که حزب مسلم لیگ به رهبری محمد علی جناح پاکستان را تاسیس کرد، مناسبات حسنه به معنی واقعی آن نداشتند.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاډونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

روابط افغانستان و پاکستان در دو مرحله و یا دوره قابل تامل است یکی زمانی که برتانیه در هند حضور داشت و معاهداتی که افغانستان با هند برتانوی امضا کرد و مرحله دوم بعد از تشکیل پاکستان در 1947 و معاهداتی که کابل با هند برتانوی امضا کرد که تأثیراتش را بر روابط کابل و اسلام بر جا گذاشت.

این معاهدات شامل معاهده لاهور در سال 1831، گندمک در سال 1879، معاهده دیورند در سال 1893 بین حاکمان افغانستان و هند برتانوی میباشد که بر اساس این معاهده قسمتهای از خاک افغانستان تحت تسلط هند برتانوی قرار گرفت. امان الله خان پس از اعلام استقلال افغانستان در 1919 کوشش کرد خاکهای از دست رفته را دوباره بدست آورد اما موفق نشد. بررسی این معاهدات از بحث ما درین مقاله خارج است و محض به حیث مثال از آنها یاد آوری گردید. هر یک از این معاهدات درج صفحات تاریخ و روابط بین دو کشور است و مورد تحلیل و تجزیه اهل خبره و مؤرخین قرار گرفته و از بحث ما درین مقاله خارج است.

مرحله دوم پس از استقلال هند و تشکیل پاکستان در 1947 است درین دوره افغانستان و پاکستان نظر به مشکلات تاریخی و اختلافات روی اراضی از دست رفت در آن طرف خط دیورند و هم چنان مسایلی که سیاست قدرتهای بزرگ بر آن تأثیر گذار بود، روابط دوستانه را بر قرار کرده نتوانستند.

دولت پاکستان که خود را وارث بلا منازعه و جانشین دولت هند برتانوی بر ساحات تحت اداره این دولت نو بنیاد می دانست، مناطقی را که از لحاظ تاریخی، فرهنگی، نژادی و اجتماعی پیوند عمیق با افغانستان داشت، تصرف کرد. محمد ظاهر شاه پادشاه آن زمان و شاه محمود خان عم پادشاه و صدراعظم وقت نه تنها اینکه عکس العمل منفی نشان ندادند بلکه بدون تأخیر دولت نو بنیاد را به رسمیت شناختند و شاه ولی خان عم دیگر پادشاه به حیث اولین سفیر افغانستان در نومبر 1947 به شهر کراچی پایتخت آن زمان پاکستان وارد گردید.

اما قبل از آنکه پاکستان از بدنه هند به حیث یک کشور مستقل جدا شود در سال 1946 زمانی که شاه محمود خان به حیث صدراعظم افغانستان اشغال وظیفه نمود، نامه به برتانیه فرستاده و از دولت آن کشور تقاضا کرد که با در نظر داشت وضعیت سیاسی هند برتانوی، موضوع تعیین سر نوشت مردم پشتون در آن سوی خط دیورند مورد توجه قرار داده شود و زمانی که سال بعد هند منقسم شد باز هم شاه محمود خان در یاد داشت رسمی مسأله تعیین سر نوشت پشتون ها را یاد آور شد و تذکر داده شد که برای پشتونها و بلوچ ها فرصت داده شود تا حکومت خود را تشکیل دهند و یا هم به افغانستان به پیوندند.

ولی جواب برتانیه برای افغانستان این بود که: سرحدات آزاد حل و فصل شده است و خط دیورند به حیث یک سرحد و حد فاصل بین المللی شناخته شده است، پیمان 1921 هنوز موجود و مورد تطبیق است که خط دیورند را دوباره تأیید میکند. (معاهده که بین افغانستان و دولت برتانیه منعقد گردید) درین جواب هم چنان تذکر داده شد که دولت پاکستان به مثابه دولت جا نشین هند برتانوی مالک کامل این منطقه و حاکم بر مردم آن بوده و حق و مسؤلیت یک دولت جا نشین را به دوش دارد.

خط دیورند هسته تشنجات در روابط بین افغانستان و پاکستان بوده است وعده ای از کشور های بزرگ جهان و منطقه نیز روی اهداف مشخص و متفاوت سعی داشته اند به مقاصد پیشبرد منافع استراتژیکی و سلطه جوئی ها از این آب گل آلود ماهی مراد را بدست آورند که از آن جمله می توان اتحاد شوروی سابقه را با چشم دوختن به آبهای گرم و برتانیه را برای حفظ منافع منطقوی، هند را برای جلوگیری از نفوذ پاکستان در افغانستان و دوام حاکمیت بر کشمیر تحت تسلط این کشور نام برد. مزید بر آن گرایش رهبران سیاسی دو کشور به ابر قدرتها و یا ائتلاف با ابر قدرتهای عصر جنگ سرد و یا پیوستن به پیمانهای منطقوی مثل سنتو هم درین تشنجات نقش داشته است.

ولی از زمان تشکیل پاکستان در 1947 تا کنون رهبران افغانستان و پاکستان دید و بازدید های هم داشته اند و همواره سعی بر این شده تا راهی برای حل این مشکل بین دو کشور بدست آید. مارشال ایوب خان رئیس جمهور پاکستان در سال 1966 به کابل سفر کرد و در جهت بهبود مناسبات دو کشور مذاکراتی انجام داد. باری مناسبات دو کشور در سال 1963 قطع شد و در همین سال بود که داود خان حامی سر سخت قضیه پشتونستان از عهده صدارت استعفی داد و متعاقباً به دعوت شاه ایران هیاتهای از هر دو کشور در ماه می 1963 عازم تهران شدند و با وساطت شاه ایران، دو کشور به از سر گیری مناسبات موافقه کردند. این بود نظر اجمالی بر پیشینه روابط پر از فراز و نشیب افغانستان و پاکستان.

بعد از راندن نظام طالبانی در 2001 که تنها از طرف پاکستان، عربستان و امارات متحدعرب به رسمیت شناخته شده بود، فصل نوی در مناسبات افغانستان و پاکستان آغاز گردید که با شعار مبارزه علیه تروریسم رنگ گرفته است. پاکستان به حیث حامی طالبان مناسبات و ارتباطات خود را با این گروه، با وصف مخالفت و مبارزه جامعه بین المللی با این گروه که حامی و نگهدار القاعده و رهبران آن بود، حفظ نمود و در احیا و فعال ساختن مجدد این گروه به حیث یکی از ابزار سیاست خارجی اش نقش کلیدی بازی نمود. این گروه بزرگترین وسیله فشار پاکستان بر افغانستان و حامیان این کشور برای بدست آوردن اهداف و امتیازاتی می باشد که جنرال ضیاء الحق دیکتاتور نظامی پاکستان «عمق استراتیژیک» نامید یعنی در افغانستان باید حکومت دست نگر پاکستان و فرمانبردار باشد تا پاکستان به تواند از نفوذ هند جلوگیری نماید و از منابع سر شار زمینی و آبی افغانستان بهره ای بلا مانع برده و تسلط کامل بر امور سیاسی و اقتصادی افغانستان داشته باشد.

در دوران حکومت حامد کرزی رئیس جمهور پیشین هم تلاش های برای بهبود مناسبات با پاکستان و وادار ساختن آن کشور به قطع حمایت از طالبان و سایر گروه های دهشت افکن و کشانیدن طالبان به میز مذاکره صورت گرفت اما این تلاش ها بیشتر از یک موقف ضعیف و با تزرع بود نه متکی بر اراده قوی، موقف مستحکم با وصف حمایت جامعه بین المللی و حمایت مردمی در رابطه با مبارزه علیه دهشت افگنی و در برابر مظالم طالب و طالبی ها و حامیان آنها.

حامد کرزی بیست و یک بار به پاکستان سفر کرد و هشتاد بار از طالبان خواست که برای مذاکره حاضر شوند و از پاکستان خواست که برای راضی ساختن طالبان به مذاکره همکاری کند ولی این سفر ها و این زاری ها مثمر ثمری که انتظار میرفت نشد. ولی از نتایج این سفر ها میتوان به نکات آتی اشاره کرد:

1 - نشست سه جانبه در حاشیه اجلاس مجمع عمومی ملل متحد در 2012 بین حامد کرزی رئیس جمهور افغانستان، آصف علی زرداری رئیس جمهور پاکستان و دیوید کامرون صدراعظم برتانیه.

2 - جرگه امن منطقوی بین رهبران سیاسی و قومی پاکستان و افغانستان که نخستین جلسه آن در اگست 2007 در کابل دایر گردید و هدف آن کمک به کاهش درگیری ها در مناطق همجوار افغانستان و پاکستان بود. جلسه دوم در 28 اکتوبر 2008 در اسلام آباد دایر شد.

3 - کنفرانس کابل در 20 جولای 2010 با حضور چهل وزیر خارجه کشور های مختلف و منشی عمومی ملل متحد، سرمنشی ناتو و شماری از سازمانهای بزرگ بین المللی. که در پهلوی سایر مسایل مربوط به کمک به افغانستان در ساحات اقتصادی، امنیتی، مصالحه با مخالفین مسلح نیز در آجندای آن شامل بود.

4 - کمیسیون مشترک صلح افغانستان و پاکستان. طی سفر رسمی صدراعظم پاکستان به کابل در 17 اپریل 2012 حامد کرزی و یوسف رضا گیلانی صدراعظم پاکستان این کمیسیون را که قبلاً در سطح وزرای خارجه بود به کمیسیون مشترک ارتقا دادند.

اما هیچ یک از این نشست ها و کمیسیونها و ملاقات ها نتیجه مطلوب که قطع حمایت پاکستان از دهشت افکنان، عدم تجهیز و تربیه دهشت افکنان در خاک پاکستان و قطع جنگ نیابتی پاکستان در افغانستان باشد، نداشت. ولی موافقتنامه های دیگری بین دو کشور با ماهیت های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به امضا رسیده است که یا به نحو مطلوبی تطبیق نشده و یا اصلاً تا حال کار روی پروژه های توافق شده، آغاز نشده است.

حالا توقعات و تقاضا های پاکستان از افغانستان چیست؟

پاکستان از همان آغاز برای بدست آوردن اهدافی که از روز نخست تاسیس این کشور توسط تشکیل کننده آن، بریتانیای کبیر، تعیین گردید، تلاش ورزیده و از آن انصراف نکرده است. به رسمیت شناختن خط دیورند به طول قریب 2430 کیلو متر بین افغانستان و پاکستان به حیث سرحد رسمی بین دو کشور در صدر اولویت های سیاست خارجی پاکستان قرار دارد. امور افغانستان در سیاست خارجی پاکستان به دستگاه استخبارات نظامی پاکستان (آی اس آی) سپرده شده است و این «آی اس آی» است که حرف آخر را در مورد سیاست حکومت پاکستان در برابر افغانستان می زند نه حکومت ملکی و روی همین دلیل است که اخیراً بعد از سفر نواز شریف صدراعظم پاکستان به واشنگتن راحیل شریف رئیس نظامی پاکستان به واشنگتن سفر کرد و در مورد افغانستان مذاکراتی انجام داد. . خواست نخست پاکستان از دولت افغانستان به رسمیت شناختن این خط به حیث سرحد رسمی بین دو کشور است چنانچه حامد کرزی هم رسماً این موضوع را بار ها اعلام داشت.

پاکستان با کمبود شدید انرژی و آب مواجه است و جریان آزاد و بدون قید و شرط آبهای افغانستان به آن کشور مخصوصاً دریای کابل و کنر حیثیت آب حیات را برای پاکستان دارد. مهار کردن این آبها از طرف افغانستان باعث آن میگردد که پاکستان از مقدار معین آب بر اساس یک توافقنامه بین دو کشور استفاده کند که پاکستان نمی خواهد چنین امتیاز رایگان را از دست دهد.

پاکستان همچنان میخواهد که عمال آن، طالبان، در حکومت افغانستان نقش کلیدی داشته باشند تا از این طریق بتواند بر تصامیم حکومت افغانستان نقش داشته باشد و اگر تصمیمی بر ضد منافع پاکستان در افغانستان اتخاذ می گردد مانع آن شود.

پاکستان می خواهد اداره حد اقل پنج ولایت هم سرحد با افغانستان در دست گماشتگان این کشور، طالبان، باشد تا پایگاه عمده برای مقابله با پشتونهای آزادیخواه در آنطرف خط دیورند و وسیله اعمال نفوذ برای جلوگیری از نفوذ هند در افغانستان داشته باشد.

پاکستان می خواهد در دستگاه استخبارات و امنیت ملی افغانستان افرادی را به بهانه همکاری های امنیتی به گمارد که گام اول درین مورد موافقت نامه بود که بر طبق گزارش ها بین حنیف اتمر مشاور امنیت ملی داکتر غنی و پاکستان امضا شد که موجب سر و صدا های در جامعه افغانها و پارلمان افغانستان گردید.

پاکستان می خواهد که از نفوذ هند در افغانستان جلوگیری نماید و بدین منظور تقاضای انسداد تعدادی از قونسلگری های هند در افغانستان را دارد.

پاکستان می خواهد پروژه های عمده اقتصادی و معادن افغانستان را داشته باشد تا بیشترین منفعت اقتصادی را نصیب گردد.

در مقابل تقاضای های مشروع و منطقی افغانستان چیست؟

پاکستان در مبارزه با دهشت افگنی صادق باشد

در عمل همکاری برای مبارزه با دهشت افگنی را نشان دهد

کمپ های تریبیه دهشت افگنان را در خاک خود مسدود سازد

دهشت افگنان را برای کشتار بی گناهان افغانستان ارسال نه نماید.

در کشاندن طالبان به میز مذاکره صادقانه همکاری کند

راه های مواصلاتی را بروی مال التجاره افغانی بر اساس موافقتنامه های موجود باز نگهدارد

آیا می توان با چنین پیشینه و توقعات پاکستان ثمری از این دور مذاکرات بین داکتر اشرف غنی و نواز شرف انتظار داشت؟ گر چه رئیس جمهور افغانستان اظهار امیدواری نمود که تا بهار سال آینده راه های مناسبات بهتر با پاکستان و صلح در افغانستان بدست خواهد آمد ولی آیا می توان انتظار ثمر سیب از این بید داشت و چه بجا ضرب المثلی داریم در فرهنگ غنامند خویش که می گوید: آزموده را آزمودن خطاست.

پایان

درین نوشته از این مآخذ استفاده شده است:

1 - سیاست خارجی افغانستان در سپهر همکاری های منطقه ای، مرکز مطالعات استراتژیکی وزارت امور خارجه

2 - افغانستان در مسیر تاریخ، میر غلام محمد غبار

3 - افغانستان در پنج قرن اخیر، میر محمد صدیق فرهنگ

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ